



که نمی‌توان از مدیریت و نوع رویکرد رئیس جمهور نسبت به سایر قوا نیز غافل ماند. از جمله شواهد این نوع رویکرد آیت‌الله رئیسی مبنی بر مدیریت اختلاف با سایر قوا، علاوه بر مسأله استیضاح وزیر صمت، در ماجرای لایحه تشکیل سازمان بازرگانی دیده شد. در دیدار نوروزی مجلس و دولت (۶ فروردین ۱۴۰۲) آیت‌الله رئیسی به یک نکته مهم اشاره کرد.

رئیس جمهور در تشریح رویکرد دولت در همراهی با مجلس، گفت که نظر مجلس مبنی بر ارسال لایحه‌ای به مجلس برای تشکیل وزارت بازرگانی بوده است، اما پس از رایزنی با کمیسیون‌های مجلس و اخذ نظر آنان برای تشکیل سازمان بازرگانی، دولت لایحه خود را تغییر داده است. البته این لایحه هم در مجلس رأی لازم را کسب نکرد و بنابه رایزنی‌های دوباره دولت و مجلس، دولت بار دیگر لایحه تشکیل وزارت بازرگانی، به جای سازمان بازرگانی را به مجلس ارسال کرد.

آنچه سپهر سیاسی ایران بر آن گواهی می‌دهد این است که این اختلاف نظر که باعث چندباره شدن ارسال لایحه میان دولت و مجلس شده است، هیچ‌گاه به یک مگومگو و تنش سیاسی تند میان دولت و مجلس تبدیل نشده است. این مسأله در سایر موارد، مانند اختلاف نظر میان دولت و مجلس در زمینه اجرای طرح عادلانه‌سازی یارانه‌ها یا سایر مسائل نیز صادق است. این موارد نشان می‌دهد که اصل اختلاف نظر در مدیریت کشور، همواره وجود دارد، اما آنچه در دولت سیزدهم به صورت امری بدیع به وقوع پیوسته است، مدیریت این اختلاف نظرها، در جلسات و از طریق ارتباطات و رایزنی‌های درونی است. بدون آنکه بخواهد هزینه روانی، سیاسی و اجتماعی تازه‌ای برای جامعه و افکار عمومی ایرانیان ایجاد کند.

#### مدیریت درونی در دولت سیزدهم

در دولت سیزدهم دیده نشده است که مدیر، وزیر یا دیگر عضو کابینه‌ای، نه با همکاران خود در دولت یا با چهره‌های سیاسی و اجتماعی، وارد جدل شود. این امر می‌تواند به معنای تمرکز نگاه و توجه‌ها به حل مسائل کشور و چالش‌های مردم باشد.

در عین حال می‌توان گفت این رویکرد بخشی از انتظاری است که رئیس‌جمهور از همکاران خود داشته است. هرچند در مواردی، اختلاف نظرهای برخی مدیران رسانه‌ای دستگاه‌های اجرایی در شبکه‌های اجتماعی خیرساز شده است که با مدیریت صریح و سریع مدیران شورای اطلاع‌رسانی دولت خاتمه یافت.

اما این، تنها بخش رسانه‌ای مدیریت دولت است. آنچه تحت عنوان مدیریت داخلی در دولت سیزدهم شناخته می‌شود، حفظ انسجام و یکپارچگی در مدیریت اجرایی عالی کشور است. هرچند در دولت سیزدهم، برخی مدیران و وزرا جابه‌جا شده‌اند، اما این جابه‌جایی‌ها به معنای فقدان یکپارچگی نیست. چه بسا یک همکاری یک‌با دو ساله، نشان داده است که کدام یک از مدیران یا وزرا، توان همراهی با کلیت دولت و اجرای ایده‌های کلان آن را دارند و هرکس که در این زمینه از شاخص‌های لازم عملکردی برخوردار نبوده، جای خود را به نیروی تازه داده است. از نکات جالب توجه این است که رئیس‌جمهور در مدیریت این اختلاف‌های مدیریتی، اصل را بر حل مشکلات کشور و مردم قرار داده است، نه ارتباطات سیاسی.

#### مسأله حقوق معلمان؛ نمونه مدیریت داخلی

یک نمونه از مدیریت داخلی دولت، در ماجرای پرداخت بسیار دیر هنگام حقوق و پاداش آخر

سال معلمان و فرهنگیان کشور در اسفندماه ۱۴۰۱ دیده شد. پس از بروز این مشکل، آیت‌الله رئیسی نخست دستور داد به هر نحو ممکن این مسأله حل شده و در وهله نخست حقوق معلمان پرداخت شود.

در مرحله بعد، رئیس‌جمهور معاون اول خود را مأمور کرد این مسأله را واکاوی کرده و قصور هر دستگاه یا فرد را مشخص کند. پس از این بررسی‌ها و اعلام نتیجه به رئیس‌جمهور بود که یک تغییر مهم در دولت روی داد: وزیر آموزش و پرورش استعفا کرد و سرپرستی برای این وزارتخانه تعیین شد.

در این جا دو مسأله قابل توجه است؛ نخست اینکه با قصور دستگاه یا فرد، در هر سطحی، بدون اغماض برخورد شد.

دوم اینکه تا پیش از این بررسی‌ها، بخش‌های دو دستگاه مسئول تلاش می‌کردند این مشکل را متوجه طرف دیگر نکنند. اما دولت و مدیریت عالی به رئیس‌جمهور، اجازه نداده این بحث‌ها ادامه‌دار شود، بلکه با مأموریت به معاون اول، ریشه‌های مسأله مشخص، زمینه‌های بروز دوباره آن بسته و در نهایت تصمیم مقتضی مدیریتی درباره آن اتخاذ شد.

#### دولت درون دولت؛ ممنوع!

بنابر آنچه تاکنون گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که در دولت سیزدهم، چندصدایی دیده نمی‌شود. ما در دولت سیزدهم، با چند دولت، یا هسته‌های تصمیم‌گیر درون دولت مواجه نیستیم، بلکه دولت، یک کالبد واحد، با چهارچوب‌های تصمیم‌گیری و مدیریتی واحد است و تنها یک صدا از درون آن شنیده می‌شود.

در مواردی هم که نشانه‌های چندصدایی بروز می‌کند، یا اختلاف‌ها مدیریت می‌شود یا با تصمیم مدیریتی، مانند نمونه وزارت آموزش و پرورش، در سریع‌ترین زمان ممکن مسأله حل می‌شود.

این وضعیت را باید با دولت دوازدهم مقایسه کرد که بسیاری از ناظران سیاسی و حتی اعضای درون دولت، همگان را به دفتر رئیس‌جمهور ارجاع می‌دادند و می‌گفتند همه راه‌ها، به آنجا ختم می‌شود.

#### مدیریت بی تنش

مجموعه این شرایط باعث شده است که امروز جامعه ایرانی در حوزه سیاسی از امنیت روانی برخوردار باشد.

زیرا دولت سیزدهم، جایگاه خود در میان افکار عمومی و رأی‌دهندگان را از دل کارآمدی و حل مسأله کشور جست‌وجو می‌کند، نه داغ کردن تنور تنش‌های سیاسی.

داغ کردن تنور تنش‌های سیاسی، از قضا برای دولتی بود که دستشان در حوزه عمل و اجرا کوتاه بود.

از این رو برای رأی‌آوری یا مطرح کردن خود در افکار عمومی چاره‌ای جز دامن زدن به تنش‌های سیاسی نداشت. امروز اما دولت آیت‌الله رئیسی با تمرکز بر تولید و حرکت در مسیر نیازهای واقعی جامعه، از ایجاد یا دامن زدن به نیازهای کاذب خودداری می‌کند؛ نیازهایی که تأثیر عملی بر زندگی و نیازهای جامعه و مردم ایران نداشت. به هر رو امروز در دوسالگی انتخاب آیت‌الله رئیسی به ریاست جمهوری، می‌توان گواهی داد که رئیس‌جمهور تا چه اندازه بر عملی کردن این رویکرد خود در دولت، تأکید و اصرار داشته است.

بویژه اینکه وی با تجربه و حضور عینی و عملی در حوزه سیاسی کشور پیامدهای تلخ تنش در دولت و رقابت غیرسازنده میان قوا را نیز دیده بود.



#### در دولت سیزدهم

دیده نشده است که

مدیر، وزیر یا دیگر

عضو کابینه‌ای، نه

با همکاران خود

در دولت یا با

چهره‌های سیاسی

و اجتماعی، وارد

جدل شود. این امر

می‌تواند به معنای

تمرکز نگاه و توجه‌ها

به حل مسائل

کشور و چالش‌های

مردم باشد